

استیضاح وزیرعلوم: زور آزمائی دوجناح برای کنترل دانشگاه ها!

تقی روزبه



رابطه رژیم و دانشگاه مثل رابطه مارگزیده و ریسمان سپید و سیاه است. چرا که از همان فردای پس از انقلاب بهمن ۵۷ و تأسیس حکومت اسلامی، درحالی که خمینی و روحانیت تازه به قدرت رسیده هنوز نیات و ماهیت واپسگرایانه و سلطه جویانه خود را عیان نساخته بودند و توهم توده ای گسترده ای نسبت به آنها وجود داشت، رژیم اما درمحیط های دانشجویی خود را در اقلیت یافت و برای فتح سنگردانشگاه ها تهاجم گسترده ای را درپیش گرفت و نهایتا ناچارشد که برای مدتی طولانی دانشگاه و سایر محیط های دانشجویی را تحت عنوان انقلاب باصطلاح فرهنگی تعطیل و از نو تجدید سازماندهی کند.

انقلاب ضدفرهنگی اما اسم شبی بود برای به انقیادکشاندن دانشگاه ها و افکندن افساراسلامی به گردن آن ها. بدون چنین "انقلاب فرهنگی" رژیم هیچگاه قادرنبود که سلطه خود را بردانشگاه ها و محیط های دانشجویی تحمیل کند. با این همه همین سلطه هم متزلزل و آسیب پذیربود و هراز گاهی ناچارمی شد برای زهرچشم گرفتن یورش های وحشیانه ای را به محیط های دانشجویی سازمان دهد. دوره احمدی نژاد مقطع مناسبی بود که حاکمیت و باندهای افراطی-امنیتی، میخ خود را محکم تر بر "تابوت" دانشگاه ها به کوبند و بیشترین تلاش خود را در پادگانی کردن فضای آن ها، تصفیه های فراگیر و گرازکوب کردن به کارگیرند و البته بیشترین موفقیت را در قیاس با دوره قبل، نصیب خود کردند و عرصه را حتی بر جناح های رقیب و هم پیمان خود هم تنگ کردند. با این وجود، همواره جدال های درونی باندهای رژیم که هیچ گاه در کل حیات نظام اسلامی فروکش نکرده اند، در سطح دانشگاه ها نیز بازتاب داشته اند. با پیروزی روحانی و اعتدال گرایان در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، جدال پیرامون کنترل دانشگاه ها باردیگرشدت و حدت تازه ای یافت. چنان که از همان لحظه رأی اعتماد به وزراء دولت جدید یکی از کانون های مهم جدال حول وزیرعلوم و انتصاب های دانشگاهی جریان داشته و جریان حاکم به شدت نگران سست شدن فضای پادگانی در سطح دانشگاه ها بوده است. از این رو باندهای حاکم تمامی تلاش خود را برای آن که مبادا نسیم اعتدال و تغییر ولوجزی در دانشگاه ها بوزد و ناخواسته موجب به حرکت درآمدن لایه

های زیرین نارضایتی انباشته شده در بدنه جامعه دانشگاهی بگردد، بکارگرفته اند. خشم آن ها از برخی گزینش ها و پذیرش برخی دانشجویان ستاره دار و دعوت برخی استادان تسویه شده و نیز افشاء بورس های اهداء شده به آقازاده های باندهای حاکم، چنان است که آن ها رسماً وزیرعلوم را به خاطر آن ها به زیرمهمیزاستیضاح کشانده اند. آن ها شرط انصراف خود از استیضاح را کنارگذاشتن سیاست دعوت از دانشجویان ستاره دار و استادان برکنارشده و دست نبردن به ترکیب کنونی ساختاردانشگاهی و اجتناب از بکارگیری مدایران وابسته به جناح دیگرکرده بودند. (گواين که نباید فراموش کرد که اجراء این سیاست ها توسط دولت و وزیرعلوم اساساً به شیوه گزینش و جلب نیروهای همگرا با نظام ولی نزدیک به جناح اعتدال گرایان صورت گرفته است). افشاگری های تاکنون صورت گرفته نشان دهنده آن است که باندهای حاکم تاجه حد دانشگاه ها و بودجه های آن را به تیول خود (تیول دایمی) تبدیل کرده و آن را در خدمت کادرسازی و تربیت مدیران از میان اعوان و انصارخود اعم از آقازاده ها و عوامل مزدورخود بکارگرفته اند (جلوه و مصداقی از جلوه ها و مصادیق یک رژیم تماماً رانت خوار).

اهمیت کنترل دانشگاه ها از جهات گوناگونی مطرح است: از یکسو کنترل دانشگاه توسط این یا آن قدرت قبل ازهرچیز باهدف کادرسازی و تربیت مدیران و "اندیشه ورزان متعهدی" است که بدون آن حکومت کردن و کنترل برکشور و بهره برداری از ثروت ها و منابع آن ناممکن است. گواين که جمهوری اسلامی بدلیل آسیب پذیربودن در قبال آن چه که به فرارمغزها موسوم است، قادر به حفظ بخش وسیعی از این سرمایه ها نیست و تنها در چندسال گذشته ۲۰۰ هزارتحصیل کرده از کشورخارج شده است. اما این از اهمیت کنترل دانشگاه ها نمی کاهد و باعث نمی شود که رژیم از تلاش خود برای کنترل آن ها، با توجه به کثرت دانشجویان و اهمیت حیاتی تربیت متخصصین وفادار به خود بکاهد و کوتاه بیاید. نکته دوم آن که در شرایط استبدادی و سرکوب فراگیر سیاسی در سطح جامعه حتی برای جناح های رقیب، دانشگاه ها همواره نقش مهمی در تقویت و عضوگیری جناح های سیاسی بخصوص جناح اصلاح طلبان داشته است (نقش مهم تحکیم وحدت درزمان اصلاح طلبان درمطرح شدن و پیروزی آن ها را بیادداشته باشیم). نکته سوم آن که دانشگاه ها علاوه بردوکارکردفوق، همواره نقش مهمی در شکستن فضای اختناق و گسترش و تقویت جنبش های اجتماعی و اعتراضی و اشاعه گفتمان آزادی و برابری داشته اند که بخش مهمی از نگرانی عمیق رژیم از سست شدن فضای پادگانی در دانشگاه ها از همین نقش دانشگاه ها و دانشجویان

پیشرو سرچشمه می گیرد.

نبرد حول کنترل دانشگاه البته بخشی از منازعه همه جناحیه و رو به تشدید بین دولت و اصول گرایان شکست خورده در انتخابات پیشین ریاست جمهوری است. چنان که به مرور زمان لحن حملات روحانی و افشاگری او و حامیانش تندتر و خشم آگین تر شده است. سخنان اخیر و بی سابقه روحانی که در آن حریفان خود را بزدل و ترسو خواند و به جهنم حواله اشان داد و در دفاع از موضع خود ابراز داشت که مخالفانش از اتاق فکر به اتاق عملیات نقل مکان کرده اند* ۲ فراز تازه ای در این جدال بی پایان است. بی تردید استیضاح وزیر علوم یکی از مصادیق فعال شدن اتاق عملیاتی است. سخنان غیرمنتظره و پرخاشگرانه روحانی خطاب به مخالفین خود، نشان دهنده آن است که اولاً مخالفان برای فلج کردن دولت اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار داده که او بر آن شده است با هشدار و نهیب و تهدید (افشاگری و گفتار درمانی) جلوی اقدامات آن ها را بگیرد. اما تعرض روبه گسترش جناح حاکم برای زمین گیر کردن دولت و روندرویدادها تدریجاً به دولت و حامیان آنها می فهماند که به صرفاً به افشاگری و گفتار درمانی نمی توان اتکاء کرد. بهر صورت برشی از کشاکش دوجناح و کانونی شدن آن پیرامون استیضاح می تواند در مقطع کنونی تصویر روشن تری از توازن قوا و چشم انداز دامنه منازعات بعدی ارائه بدهد. آن چه که بویژه استیضاح کنندگان را مصمم تر ساخته است، سهم بودن خامنه ای در نگرانی آن ها پیرامون وضعیت دانشگاه ها و برنامه های وزارت علوم است. نگرانی که بارها به اشکال گوناگون ابراز شده و مدتی پیش خامنه ای صراحتاً در مورد آن به دولت و وزیران عرصه فرهنگی و علوم تذکر داد و نسبت به تبدیل شدن محیط های دانشجویی به محل منازعات و نفوذ جناح ها و احزاب هشدار داد. در راهبرد خامنه ای و جناح حاکم اساساً قرار نیست گشایش در تحریم ها و دیپلماسی هسته ای به نرمش در برابر مردم هم تأویل و تفسیر شود.

البته نتیجه استیضاح بیش از همه به موضع گیری پشت پرده خامنه ای و اصول گرایان میانه رو در مجلس و چانه زنی ها و بندوبست های پیرامون آن وابسته است. اگر روحانی نتواند حمایت ضمنی آن ها را در پشت پرده بدست بیاورد و اگر از بیت رهبری نشانه ای از تمایلی منبئ بر کوتاه آمدن استیضاح کنندگان به مجلس نرسد، چه بسا استیضاح کنندگان علیرغم مخالف های کمابیش وسیع علیه آن و تهدید وزیر علوم به روشنگری رأی خواهند آورد و این پیروزی مسیرگام های بعدی آنها برای افزایش فشار را هموارتر خواهد کرد.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که دولت روحانی برای ایستادگی در برابر فشارهای روزافزون رقبا و پیش برد برنامه های خود، ناچار است که حامیان اجتماعی خود را بسیج کند. او بدون حربه افشاگری و بسیج پایگاه اجتماعی اعتدال گرایان و صرفا با اتکاء به چانه زنی در بالا قادر نخواهد بود که در مقابل تعرض جناح مقابله در آستانه پایان سال اول ریاست جمهوری اش پایداری کند. سعید حجاریان در گفتگویی از لزوم تغییر برخی وزراء بی خاصیت و نیز تغییر صدها فرمانده و استانداری که از حکومت قبلی هم چنان بر سر کار هستند و با سیاست های دولت اعتدال هم خوانی ندارند سخن به میان آورده است.

وزیر علوم و دولت نیز از حربه افشاء بیشتر اطلاعات پشت پرده (برای مقابله با حربه استیضاح حریف) سخن به میان آورده و در همان حال، گرچه دیر هنگام، سعی کرده است که با بسیج نیروهای دانشگاهی در دفاع از وزیر علوم و عقب راندن استیضاح کنندگان که اساسا بابتکار جناح افراطی و جبهه پایداری است، بهره گیرد. طومارهای حمایت ۱۵۰۰ استاد و ۵۰۰۰ دانشجو از آن جمله است.

گرچه سیاست انبساطی روحانی و وزارت علوم در دانشگاه ها کاملا کنترل شده است و بشدت مواظب اند که این جدال ها تعادل و آرامش (گورستانی) دانشگاه ها را بهم نریزد و موجب تحرک و به میدان آمدن بدنه دانشجویی، مخالفان و جریان های غیروابسته به حاکمیت نگردد و تنها مشمول اصلاح طلبان معتدل گردد، اما این به معنای بی تفاوتی فعالین و بدنه دانشجویی به منازعات و شکاف های فوق نیست. برعکس استفاده هشیارانه دانشجویان و جریانات مستقل و مترقی از فضاهای برآمده از شکاف بالائی ها حائز اهمیت است. بی تردید دانشجویان خودبهبتر از هر کسی با راه و رسم استفاده از این شکاف ها در جهت و خدمت اهداف و خواست های خود آشنا هستند. از نزاع دوجناح برای کنترل دانشگاه ها می توان روزنه ها و رخنه هایی برای تضعیف نسبی کنترل هردو جناح برداشتگاه ها و پیشروی نیروهای مستقل و غیروابسته به حاکمیت یافت.

۱۸-۰۸-۲۰۱۴-۲۷-۰۵-۹۳

نگاه کنید

*۱- ۱۶ آذر و رویش جوانه ها:

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de/۲۰۱۳/۱۲/۱۶.html#more>

نگاه کنید به:

رابطه سازمان یابی افقی و دموکراسی مستقیم و مشارکتی



تقی روزبه

تنها از طریق تقویت عیار دموکراسی مستقیم و با اندازه ای که تاریخا جنبش های طبقاتی-اجتماعی قادر به اعمال آن شده اند توانسته اند علیه نظم موجود برآشوبند و با ایجاد رخنه در سیستم های حاکم و از جمله گسستن نظم هرمی و سلسه مراتبی و کنترل از بالا به پایین جامعه، راهی به سوی آزادی و رهائی بگشایند.

نوشته حاضر* شامل نکات زیر است:

- رابطه بین تئوری و پراتیک اجتماعی و ابتدال تئوری وقتی که اصول بجای تحلیل واقعیت های اجتماعی (و از آن جمله جنبش طبقاتی کارگران) می نشیند. حقیقت پیشینی وجود ندارد بلکه توسط انسان در پراکسیس خود آفریده می شود. در این فرایند چه بسا حقایق پیشین بی اعتبار و ملغی می شوند و حقایق نوینی ساخته و پرداخته می شوند. انسان و حقیقت توأمان آفریده می شوند.

- سازمان دهی و سازمان یابی آچارفرانسه نیست که به درد بازو بست کردن هرپیچ و مهره ای بخورد و یک انقلابی هرکار خواست با آن بکند، و لاجرم با هر جامعه ای اعم از هرمی و یا افقی همساز باشد. برعکس سازمان یابی در اساس، خود مناسبات است و بازتابی است از نوع مناسبات جامعه و انسان ها. بهمین دلیل چگونگی سازمان یابی خود یکی از مهم ترین وجوه مبارزه طبقاتی در جهت رهائی و یا انقیادسازی است و لاجرم بسته به نوع و جهت گیری آن، ردپای انقیاد یا رهائی در آن حک شده است. چرا که قرابت و پیوند ناگسستنی بین

سازمان یابی های عمودی و مبتنی بر رهبری و سلسه مراتب با جامعه طبقاتی و ساختارهرمی آن وجود دارد و نظام جامعه طبقاتی بدون چنین چفت و بست قابل دوام نیست و اساسا قدرت بدون ساختاربندی قابل اعمال کردن نیست. همانطور که پیوندناگستنی بین سازمانی یابی افقی و جامعه سوسیالیستی و غیرهرمی وجود دارد و برپائی جامعه سوسیالیستی بدون حذف سلسه مراتب قابل تصور نیست. از همین رو لازم است که از نگاه تکنیکی- ابزاری به سازمان یابی و اندیشه ماکیاولی هدف وسیله را توجیه می کند فاصله بگیریم و فراموش نکنیم که جامعه طبقاتی، ساختارهرمی آن و دموکراسی نیابتی و تفویض شده همزادیک دیگرند. همانطور که مناسبات افقی و دموکراسی مستقیم و فراگیردر همه حوزه ها (اعم از اقتصادی و سیاسی و ساینس و اجتماعی) و جامعه سوسیالیستی به عنوان یک جامعه بدیل، همزادهم بشمار می روند.

- فرایند تحقق دموکراسی مستقیم به مثابه یکی از مهمترین مشخصات جنبش های نوین رهائی بخش از قیدوبندهای سرمایه است که بدون درک و تقویت آن امکان پیوند با این جنبش ها وجود ندارد. و نتیجه بی توجهی به آن به معنای تبدیل شدن چپ به فرقه هائی در خود است. جامعه آزاد و همبسته، جامعه ای که در آن تضادفرد و فردیت با جمع و جامعه از حالت تقابل (آنتاگونیستی) بیرون آمده و به عامل مکمل و تقویت کننده یکدیگر تبدیل می شوند، مستلزم درک سه فرایافت رابطه آزادفرد و جمع در اندیشه پایه ای مارکس و در پرتو تجارب صورت گرفته در این فاصله زمانی، اهمیت انقلاب و اقدام مستقیم توده ای در ایجاد تغییرات ژرف و تحولات تاریخی و بالأخره دموکراسی مستقیم و مشارکتی است. در شرایطی که نظام سرمایه داری بطورتوأممان دچار بحران ساختاری اقتصادی و بحران ساختاری "دموکراسی" است، اهمیت این فرایافت ها برای آن که نیروهای چپ و کمونیست ها بتوانند به بخشی پیشرو و مؤثر و به هنگام، در جنبش های نوین تبدیل شوند حائز اهمیت است.

- مفاهیم کلیشه شده و فرامکانی و زمانی، حاصل جداشدن تجربه ها و رویکردهای مشخص از بستر زمانی و مکانی خوداست، موجب تجرید و غیرانضمامی شدن آن تجارب گشته و بیش از آن مانع نقدترادیکال با توجه به پی آمدهای آن می گردد. ضرورت نقدتجربه شوراهای و کمیته ها و کمون ها و یا نوع سازمان یابی های حزبی و یا تشکل های غیر حزبی قرن بیستم، همه و همه بخشی از فرایندکلیشه زائی و قراردادن این مقولات در جایگاه واقعی و تاریخی خوداست. به عنوان نمونه نسبت شوراهای با فرایافت دموکراسی مستقیم و درک محدودیت های آن برای برخورد زنده با واقعیت ها و دورشدن از ابتذال تئوری و آئین گرایی

یکی از این ضروریات است .

- تغییر کیفی جایگاه و ظایف احزاب و سازمان های انقلابی در پارادایم دموکراسی مستقیم. نیز یکی دیگر از این خانه تکانی هاست.

مارکس زمانی گفته بود تباهی و ابتذال تئوری وقتی شروع می شود که اصول جایگزین واقعیت های اجتماعی (جنبش مبارزه طبقاتی) و تحلیل مشخص گردد. در چنین حالتی تئوری بجای آن که بازتاب انکشاف واقعیت های اجتماعی باشد، بدلیل قطع شدن رابطه زنده وارگانیکی آن با واقعیت ها و پراتیک اجتماعی به سدی در برابر آن تبدیل می شود و لاجرم به امری آئینی و مذهب گونه. وضعیت تئوری در نزد کسانی که در آن "اصول" تبدیل به نقطه عزیمت تحلیل مشخص و جایگزین واقعیت های اجتماعی میشود، مصداق بارزی از همین سخن است. گرچه مثل همه این گونه جریان ها در جوامع بشری، چپ فرقه ای رویکرد خویش را- البته به شیوه خود- با پوشش ایدئولوژی و ادعای وفاداری به مارکس و اصول توجیه می کند، اما غافل از آن که وفاداری به مارکس قبل از هرچیز در تأسی به شیوه علمی او معنا می یابد و نه داشتن نگاه ایستا و تبدیل کردن تجارب و ارزیابی های او به کلیشه های مقدس. همانگونه که اشاره شد کلیشه شدن به معنای منتزع شدن مفاهیم، نظرات و پراتیک یک دوره از بستر زمانی و مکانی خود و تبدیل آن ها به امری فراتاریخی، مطلق و صائب برای همه زمان ها است. که در این صورت جزغلبه اندیشه مردگان بر زندگان و گذشته برآینده نخواهد بود. معنای عملی آن نیزچیزی جز آئین پرستی و بتوارگی (فتیشیسم) مقولاتی که گویا دارای اعتبار جاودانی هستند نیست. و البته چپی که اندیشه ها و نظراتش بازتاب دهنده واقعیت های متحول طبقاتی نباشد، نخواهد توانست به مثابه نیروی پیشرو در صحنه مبارزه طبقاتی ظاهر شود. برعکس او از پندارها والگوواره هایی دفاع خواهد کرد که مربوط به گذشته است و ربطی به مبارزه طبقاتی زنده وهم اکنون جاری ندارد. و حال آن که در روش شناسی مارکس مبنا قرار دادن واقعیت های اجتماعی و جنبش های طبقاتی- اجتماعی و خیره شدن به واقعیت های زنده و متحول مبارزه طبقاتی و رصد کردن گرایش های پیشروتاریخی و مشارکت فعال در تغییر جهان، شرط لازم برای پیشروی بسوی رهائی کارگران و زحمتکشان از تاروپود نظام طبقاتی و بطور اخص جامعه سرمایه داری است. در نزد او جنبش طبقاتی کارگران و نه این یا آن تئوری مهمترین واقعیت جامعه طبقاتی و نظام سرمایه داری را تشکیل می دهد و جنبش کمونیستی هم قبل از هرچیز در پیوند با آن و برخورد انتقادی با آن معنا پیدامی کند و نه در ایجاد دسته جات و فرقه های درخود و مدعی

نجات بشریت. این جنبش ها البته با شدت و ضعف همراهند و گاه بطور آشکار عرض اندام می کنند و گاه به شیوه پوشیده و خزانده، اما بهر حال صرف نظر از شدت و ضعفشان جاری هستند و مشغول نقب زدن به تاریخ، و تئوری نیز توضیح دهنده ماهیت و واقعیت وجودی آن ها است. با این همه چپ فرقه ای و کلیشه پرداز، درست بدلیل چسبندگی اش به کلیشه ها و گره زدن هویتش با آن ها، با جنبش های جدید و مبارزه طبقاتی در اشکال نوین و پویای خود، احساس بیگانگی می کند. برای آن ها چون این جنبش ها فاقدرهبری و ستاد فرماندهی بوده و مغایر با الگوهای سازمانی مورد نظرشان هستند، و به راهبردها و رهنمودهایش بی اعتنائیند، موجوداتی معیوب و ناقص الخلقه و بی آینده محسوب می شوند. و این درحالی است که از قضا یکی از پیش زمینه های عروج این جنبش ها در بیرون از حیطه این نوع رویکردها و جریان ها، پس از آشکار شدن سترونی کامل مدعیان این نوع سازمان یابی ها صورت گرفته است!

یکی از متحول ترین و پویاترین عرصه های مبارزه طبقاتی، به نحوی که هم برگرفته از درس های تجارب ناکام گذشته باشد و هم در انطباق با آخرین دست آوردهای بشر، چگونه سازمان یابی جنبش هاست. بدون وجود سنخیت لازم بین نوع سازمان یابی و اهداف رهائی بخش، امکان تحقق آن هدف ها وجود ندارد. مبارزه برای تحقق سوسیالیسم بدست کارگران، به عاملین و سوژه های خودرهان نیاز دارد و نه به سیاهی لشکر دنباله رو و زائده وار، و از این منظر چگونگی سازمان یابی روشن می کند که بدنبال چه هستیم: تجمع های توده و ارتحت کنترل رهبران و نخبگان و به مثابه سیاهی لشکر و یا هم چون فاعلینی که در پراتیک اجتماعی و آزمون و خطای آن، خویشان را هم چون سوژه های خودرهان می آفرینند. از همین رو سازمان یابی در جوامع طبقاتی و چگونگی آن نمی تواند امری فنی و فراطبقاتی باشد. برعکس در ارتباط و در انطباق با نوع مناسباتی که از آن دفاع می کنیم با رویکردهای گوناگونی مواجهیم. تا آنجاکه به رویکرد مورد نظرم - مناسبات سوسیالیستی و بدوراز سلطه انسان بر انسان مربوط می شود - این نوع سازمان یابی باید بتواند به کارگران و زحمتکشان به مثابه گورکنان نظام سرمایه داری تعین بخشد. چگونه و در کدام نوع سازمان یابی کارگران و زحمتکشان می توانند به گورکنان نظام سرمایه داری تبدیل شوند؟ بی اعتنائی به ظرفیت های نهفته در سازمان یابی های افقی در این راستا، سبب آن می شود که فرقه های چپ بجای ایفاء نقش پیشرو در صفوف جنبش ها، در انتهای صف تحولات قرار بگیرند و منتظرمانند تا مگر با فرود پتک واقعیت ها، به هوشیاری تاریخی

نائل آیند. سخن مارکس مبنی براینکه تفسیرجهان کافی نیست باید آن را تغییرداد، ناظربر اهمیت پراتیک اجتماعی و نقش جنبش های طبقاتی-اجتماعی است که تئوری باید بتواند آن را بازتاب دهد. با این همه در نزدفرقه ها این رویکرد در جهتی وارونه فهمیده می شود: تغییرجهان بر طبق "اصول" و باورهای فرقه ها.

البته تأکیدبر اهمیت مبارزه طبقاتی استثمارشوندگان و جنبش های طبقاتی-اجتماعی، به معنای آن نیست که همه آن چه موجود است مبارزه طبقاتی ناب وعلیه مناسبات بورژوائی است. برعکس مبارزه طبقاتی زحمتکشان از دل انبوهی از پیچ وخم های مناسبات تبعیض آمیز جوامع طبقاتی، و علقه ها و توهمات آن سربرمی آورد و با پالایش از آن ها به پیش می رود. از همین رو برخوردانتقادی با واقعیت های پیشارو و تقویت گرایش های پیشرو و رهائی بخش در آن، جزئی از سرشت مبارزه طبقاتی است.

خلاصه آن که "چگونه سازمان یابی" از پویاترین عرصه های مبارزه طبقاتی است. از همین رو تقلیل آن به یک امر فنی و شکل واره و یا الگوبرداری از اشکل مسلط و متداول جوامع سرمایه داری که کارکرد آن ها، پاسداری از اقتدار و سلطه سرمایه از اساس نادرست می باشد. نباید فراموش کنیم که قدرت- قدرت جدا و بیگانه شده از تولیدکنندگان- برای اعمال خود، نهادینه شدن و کنترل جامعه، ضرورتاً باید خود را ساختارمندکند. این تصور و یا ادعا که گویا در طی یکصدوپنجاه سال گذشته هیچ تغییرمعنا دار و مشهودی در آن ها صورت نگرفته است ربطی به پویش مبارزه طبقاتی و یا اندیشه های پایه ای مارکس و سایرکمونیست های پیشرو ندارد. و البته برای چپ فرقه ای و کلیشه پرداز، گوئی که قوانین آهنین و لایتغیری در سازماندهی برای همه زمان ها جود دارد. البته سنگرگرفتن در پشت اشکال کلیشه شده، در کنه خود جز اقتباس از نظام سلسه مراتب جامعه طبقاتی نیست و این چپ با اتخاذچنین رویکردی بجای مشارکت فعال در تغییرجهان و متحول کردن خود، فقط خویشتن را خلع سلاح و بلاموضوع می کند. آن چه که او را به این نقطه می رساند جز پاسداری از منافع فرقه ای و درک فرقه ای از مبارزه طبقاتی نیست.

دراین جا برای روشن شدن پویه مبارزه طبقاتی در امرسازمان یابی و چگونه سازمان یابی، نگاهی به سه نکته پایه ای در اندیشه های مارکس و کمونیست های وفاداربه مبارزه طبقاتی خالی از فایده نیست. نکاتی که لااقل برحسب ادعا موردقبول اکثرچپ ها است ولاجرم برای کائنات ذهنی و بسته آن ها چالش برانگیزاست:

اولین فرایافت رابطه فرد و جمع است. در این رویکرد مارکس ضمن آن که درک فرد بنیاد و آنتاگونیستی بین منافع فرد و جمع در جامعه را که زیربنای اندیشه لیبرالیسم را تشکیل می دهد موردنقد همه جانبه قرار میدهد و آن را به چالش می گیرد، اما فردیت (تکینگی) در جامعه بدیل مورد نظرا و نفی نمی شود (و برخلاف تصور جمع گرایان تمامیت خواه در متن جامعه انحلال پیدانمی کند) بلکه بجای رابطه آنتاگونیستی بین فرد و جمع در جوامع طبقاتی، او از رابطه خلاق و آزاد و دوجانبه فرد و جمع سخن می گوید. رابطه ای که سبب رشد و غنای فردیت آزاد از یکسو و اجتماعی شدن بیشتر از سوی دیگر می گردد. عبارت معروف و پرمعنای مانیفست (و البته نه فقط مانیفست) در باره جامعه نوین و رابطه فرد و جمع هنوز هم پرطنین است: جامعه ای که در آن رشد آزادانه هر فرد، شرط رشد آزادانه همگان باشد. به گمان من تأمل بر این فرایافت بویژه وقتی که با تأمل بر تجربه قرن بیستم همراه شود، برای درک اهمیت رابطه برابر و آزاد انسان ها و گسستن از هر نوع مناسبات و سازماندهی هائی که آن را برنمی تابند و مبتنی بر سلسله مراتب هستند کافی است. مبارزه از همین امروز برای استقرار چنین مناسباتی در بین انسان ها و در تمامی سطوح جامعه، ضروری است و حواله دادن آن به آینده ای موهوم (آخرالزمانی؟!) جز تن دادن به سازوکارها و مناسبات جامعه طبقاتی نیست و اساسا آینده از دل آن چه که امروز کاشته می شود ریشه خواهد شد.

ب- دومین فرایافت، انقلاب و اهمیت اقدام مستقیم توده ای است. چپ معمولا در مقام سخن از اقدام مستقیم دفاع می کند. اما آیا می توان آن را دفاعی پیگیر به همراه الزامات و پی آمدهایش دانست؟ به گمان من دفاع پیگیر از دموکراسی مستقیم می تواند بسیاری از کلیشه های چپ فرقه ای را به چالش بکشد:

اقدام مستقیم توده ای به معنای آن است که کارگران و زحمتکشان و جامعه به تنگنارسیده در مقابل چشمان همه دست بکار می شوند و صفحه تاریخ را ورق می زنند و به نقش آفرینی در ابعاد کلان می پردازند. اما نقش آفرینی مزبور به معنای خاموش بودن موتور مبارزه طبقاتی در دوره های پیشا انقلابی نیست. حتی در این دوره ها نیز ما بدرجات گوناگونی با مبارزه طبقاتی مواجه هستیم که باندازه ای که وجود دارند تأثیر خود را بر تحولات جامعه می گذارند (مثلا در تشکیل مجامع عمومی کارخانه ها و در سایر عرصه های مختلف اجتماعی چون زیست محیط و انواع تبعیض ها). در هر سطحی از مبارزه وقتی زحمتکشان وارد صحنه می شوند، شکلی از مبارزه برای اعمال دموکراسی مستقیم را به نمایش

می گذارند. اشکالی که زمینه های گام های تاریخی را ولو در سطح میکرو و نامشهود رقم می زنند و هم چنین بسترگام های کلان درمقاطع انقلابی را. علاوه براین وقتی توده ها در دوره های انقلابی پا به میدان می گذارند و به نقش آفرینی در ابعادکلان می پردازند به معنی آن نیست که پس از انجام نقش تاریخی خویش به خانه های خود برگردند و نخبگان را بجای خویش به نشانند، گویانکه تمامی تلاش ضدانقلاب برای آن بکارگرفته شود. نباید فراموش کنیم که انقلاب عالی ترین شکل مبارزه طبقاتی است که با هدف کنارزدن تمامی اشکال کهنه ای که مانع مداخله مستقیم کارگران و شهروندان در زندگی اجتماعی خود هستند شناخته می شود. و البته کمونیست ها و مدافعان جنبش های مردمی نیزعلی القاعده، همواره از حامیان پروپاقرص دخالت مستقیم و استمرار و حفظ دست آوردهای آن در برابرتهاجم ضدانقلاب، پس از فروکش دوره های انقلابی بوده اند.

ج-سومین فرایافت دموکراسی مستقیم و مشارکتی است. گرچه عموماً دوره های انقلابی تجلی عالی ترین شکل بروز دموکراسی مستقیم محسوب می شوند، اما دموکراسی مستقیم فقط محدود به آن مقاطع نیست بلکه مربوط به اداره جامعه توسط خود کارگران وزحمتکشان است که اوج خود را در خودحکومتی پیدامی کند. چپ ها لااقل در مقام سخن همواره از مدافعان پیگیرتعمیق دموکراسی یعنی فراتررفتن از دموکراسی صوری ودموکراسی نمایندگی به دموکراسی مستقیم و مشارکتی (درتمامی حوزه های اجتماعی) بوده اند. معنای این سخن آن است که تحقق دموکراسی مستقیم و بی واسطه مولدین ثروت وقدرت، هدفی بوده است که کمونیست ها همواره در چهارچوب امکانات تاریخی، برای آن مبارزه کرده اند. آن ها همواره مدافع این نوع دموکراسی در برابردموکراسی صوری و با واسطه بورژوائی که دموکراسی مستقیم و فراگیر را امری خطرناک می دانسته اند، بوده اند. از قضا باندازه ای که جنبش های اجتماعی و بهراه آن ها کمونیست ها بر روی این نوع دموکراسی پافشاری کرده اند، توانسته اند وجوه مردمی واجتماعی دموکراسی را به بورژوازی تحمیل کنند و گرنه "دموکراسی" بورژوائی در ماهیت خود جزتبعیض سازمان یافته وحکومت اقلیت مرفه و سرمایه دار براکثریت ندار و استثمارشده نیست. در واقع دموکراسی مستقیم بهترین بستر و کانال برای جاری شدن مبارزه طبقاتی خارج از سازوکارهای کنترل طبقات حاکمه است و بهمین دلیل هم ذاتاً -مگربشیوه کنترل شده وقطره چکانی -خطرناک محسوب می شود. فرایند دموکراسی مستقیم-در تمامی حوزه ها و سطوح خردوکلان اجتماعی- بستری است که در آن کارگران و توده های زحمتکش خویشتن را به مثابه سوژه های خود رهان می آفرینند و نقاط

اشتراک و هم چنین تمایزات خود را نه فقط با دشمنان نشان پیرامون تضادمنافعشان بلکه همچنین درمیان خود هم طبقه ای ها با تنوعات و تفاوت های بی شمار در می یابند و به تقویت منافع و وجوه مشترک و هم چنین غنابخشیدن به تعینات فردی و گروهی و جنسیتی و... خود می پردازند. در این معنا تعین طبقاتی، داده ای یکدست و از قبل موجود نیست که همه باید در قالب آن ذوب و یکدست بشوند، بلکه امری است در حال شدن و رنگین کمان که براساس اشتراکات و تمایزات فردی و گروهی و دربرگیرنده منافع همه آنها ساخته و پرداخته می شود. گرچه با خودآگاهی کارگران و زحمتکشان به هستی اجتماعی خود، درعین حال زمینه های نفی آن نیز فراهم می می شود (پرولتاریا درعین حال از منافع کل بشریت و نوع انسان دفاع می کند و هدفش عبور از تقسیم جامعه انسانی به طبقات است). تردید نکنیم که اگر قرار بود مطالبات و اراده استثمارشدگان بطورمستقیم و بی واسطه جاری شود (و یا آن ها قادر به اعمال دموکراسی مستقیم بودند)، نظام طبقاتی و دستگاه های اتورितه آن ها حتی یک روزهم دوام نمی آوردند. تداوم استثمار بدون وجود ماشین دولتی و انواع و اقسام دستگاه های قهرعریان و غیرعریان و انحصار وسائل فرهنگی و ایدئولوژیکی و سازماندهی های استوار بر سلسه مراتب و از بالا به پائین امکان پذیر نیست. دشواری چپ فرقه ای آنست که قادر به فهم رابطه بین سازماندهی عمودی و جامعه طبقاتی، استثمار و دموکراسی صوری (و غیرمستقیم) و نیز رابطه تنگاتنگ سوسیالیسم و دموکراسی مستقیم و مشارکتی نیست. و فراتر از آن، سازماندهی عمودی و مبتنی بر سلسه مراتب را به بخشی از هویت وجودی و ارزشی خویش تبدیل کرده است! و حال آن که باردیگر باید با صراحت اعلام داشت که تحقق سوسیالیسم بدون دموکراسی مستقیم و مشارکتی و بدست خود کارگران و زحمتکشان و بدون آن که همچون سوژه ها و فاعلین و سازندگان سوسیالیسم در صحنه ظاهرشوند قابل درک نیست (بهتراست یک باردیگر سرودانترناسیونال را باعنایت به همین مساله مرورکنیم تا معلوم شود چه آتشی دردل آن نهفته است). پیش فرض مارکس در پروژه سوسیالیستی اش، دموکراسی مستقیم بوده است ولو آن که ظرفیت های زمانه وی مثل هر موردیگری، تحقق پروژه او را مشروط می کرده است. اما این که بخواهیم این عوامل محدودکننده را بخشی از عناصرذاتی این پروژه بدانیم البته جز التقاط آن با نظامی که در صدنفی آن است نیست. تفاوت کیفی وجود دارد بین کسی که برای دموکراسی هرچه مستقیم تر مبارزه می کند و در این راستا محدودیت هایی به او تحمیل می شود و او دایما در ستیز با آن محدودیت ها قرارداد با کسی که این محدودیت را تئوریزه کرده و آن را به هویت خود تبدیل می کند. این که در کجا ایستاده ایم بسیارمهم است. در

مبارزه طبقاتی همواره دوطرف اصلی وجود دارد و همیشه مبارزه ای تنگاتنگ بین دوطرف (و از جمله در حوزه سازمان یابی) جاری است؛ از یکسو برای اعمال دموکراسی از پائین و نقش آفرینی مستقیم از جانب کارگران و همه استثمارشوندگان و از سوی دیگر برای درهم کوبیدن خودکنشگری آن ها و یاد آوری خط قرمزهای نظام حاکم. همانطور که اشاره شد وقتی کارگران برای اعتراض به صحنه می آیند، که فراوان می آیند، در گوهرخودجزنمایشی از اعمال دموکراسی مستقیم و مداخله مستقیم نیست. و این هم بدیهی است که کمونیست ها و سایر مخالفان سیستم، کفه اقدام مستقیم را تقویت کنند. آن ها نمی توانند با بازی در دوسلط تخم مرغ های خود را در دوسبد به چینند. در هرمبارزه و اعتراضی همواره بدرجاتی زمینه های مناسبی برای فراتررفتن و تقویت اعمال بیشتر دموکراسی مستقیم بوجود می آید که به نوبه خود بستری است برای پرورش کارگران در مکتب مبارزه و در جهت اعمال دموکراسی مستقیم در اشکال عالی تر. با این وجود بدلیل سنگینی کفه برخی کلیشه ها و یا منافع فرقه ای، هستند کسانی که هنوزهم بین سازمان یابی افقی یعنی ظرف مناسب برای اعمال دموکراسی مستقیم و سازمان یابی عمودی یعنی ظرفی مناسب برای اخته کردن دموکراسی و مبارزه طبقاتی سرگردانند.

نتیجه گیری:

اولا هر سه این عرصه ها - رابطه آزاد و همبسته فرد و جمع، اقدام مستقیم توده ای در مقاطع انقلابی و نیز دموکراسی مستقیم و مشارکتی به مثابه رویه ای نه مقطعی و موردی بلکه پایدار و فراگیر در اداره جامعه (خودگردان) - هر کدام از جهتی با نوع مناسبات اجتماعی که انسان ها با هم برقرار می کنند و لاجرم نوع و چگونگی سازمان یابی آن ها، و کم و کیف اعمال دموکراسی مرتبط هستند. تنها از طریق تقویت عیار دموکراسی مستقیم و باندازه ای که تاریخا جنبش های طبقاتی - اجتماعی قادر به اعمال آن شده اند توانسته اند علیه نظم موجود برآشوبند و با ایجاد رخنه در سیستم های حاکم و از جمله گسستن نظم هرمی و سلسه مراتبی و کنترل از بالا به پائین جامعه، راهی به سوی آزادی و رهائی بگشایند. ثانیاً در متن آن به تحکیم دست آوردهای خودپرداخته و به ابداع و آفرینش اشکالی از سازمان یابی ها موفق شده اند که ظرفیت های بالقوه نهفته تاریخی برای تقویت دموکراسی مستقیم را فعلیت بخشند. حتی تقویت دموکراسی های غیرمستقیم و تحمیل آن به طبقات حاکمه نیز از دیگر دست آوردهای مداخله و اقدام مستقیم، یعنی از طریق اعمال دموکراسی مستقیم توده ها (از طریق

انقلاب و اعتراضات توده ای...) بوده است. ناگفته نماند که این نوع جهش های تاریخی نه فقط بورواژی را غافلگیر کرده است بلکه حتی بارها کمونیست ها را نیز بدرجاتی غافلگیر کرده است.

دموکراسی مستقیم و کمون ها و شوراها

درواقع کمون ها و شوراها از آن نوع سازمان یابی ها بوده اند که در چهارچوب امکانات و ظرفیت های تاریخی خود توانسته اند یک گام بزرگ از دموکراسی محدود و نیم بندزمانه خود (و نه الزاما درمقیاس روسیه) فراتررفته و مجامع مستقیم خود را در کارخانه ها و یا محلات بوجود آورند و با طرح اصل فراخوانی و تمهیدات دیگر برآن بوده اند که حتی الامکان خودمختاری نمایندگان را نیز تحت کنترل خودبگیرند. این کمون ها و یا شورا ها درست باین دلیل و باندازه ای که حامل دموکراسی مستقیم بوده اند (و حتی به اندازه ای که توانسته اند اراده و خواست مجامع خود را به نمایندگانشان تحمیل کنند و آن ها را تحت کنترل خویش بگیرند) یک حرکت نوتاریخی و گشاینده محسوب می شده اند. گرچه آن ها از محدودیت های خود نیز رنج برده اند. در همان حال به اندازه ای که خود را در تاروپودنظام نمایندگی و اتوریته های جداشده از خود سازمان داده اند التقاطی بوده اند و سرانجام نیز بهمین دلیل از تک و تا افتاده اند. بدیهی است که امروزه سازمان یابی های از نوع شوراها و یا کمون ها و نظایرآن تنها می تواند با برداشتن گام های هرچه بیشتری در جهت اعمال دموکراسی مستقیم، با استفاده از ظرفیت های نهفته در جوامع کنونی، معنا داشته باشند. خلاصه آن که سازمان یابی افقی یکی از ویژگی های مهم جنبش های اجتماعی-طبقاتی نوین است که بدون درک اهمیت و جایگاه تاریخی آن، درک ما از مبارزه طبقاتی و از مقوله دموکراسی مستقیم و مشارکتی و جهان دیگری که می تواند بر شالوده آن ساخته شود ناقص خواهد بود. چراکه نقش آفرینی کارگران و همه استثمارشوندگان به مثابه سوژه های خودرهان و خودکنشگر در گرو آن بوده و بدون آن قابل تصویرنیست. معنای دیگرآن این است که عصرسوژه گی احزاب و نخبگان و رهبران و امثال آن ها-سوژه گی درمعنای جایگزین اراده کارگران و زحمتکشان شدن- در چنین فرایندی بلاموضوع گشته و باید در ارتباط با چنین فرایندی به بازتعریف کارکرداین گونه تجمعات و تشکل ها پرداخت. آن ها وجود خواهند داشت اما نه در نقش رهبر و یا "حزب سوژه گی" تا کنونی، بلکه با ماهیتی دگرگونه و در خدمت تقویت مردم سوژه گی و توان خودرهای آن ها.

*- اصل این نوشته چندسال پیش در برخی سایت ها انتشار یافته است. اما بدلیل ضرورت بحث و گفتگو حول این مسائل و مختصات پارادایمی که جنبش های نوین حامل آنند، با تغییراتی همراه یک مقدمه انتشارمجددمی یابد

با من از دریا بگو، تازه ترین فیلم رضا علامهزاده

اطلاعیی "بنیاد سینمایی برداشت ۷"
برای رسانه های فارسی

بیائیم یادمان کشتار ۶۷ را هرچه باشکوه تر برگزار کنیم

"بنیاد سینمایی برداشت ۷" که در کارنامه ی پر بار هنری اش بیش از ده فیلم داستانی و مستند و نمایش، از جمله "میهمانان هتل آستوریا"، "جنایت مقدس"، "مصدق" و "تابوی ایرانی" به چشم می خورد، افتخار دارد نمایش سراسری تازه ترین اثر این بنیاد، فیلم مستند/داستانی "با من از دریا بگو"، را اعلام کند.

"با من از دریا بگو"، تازه ترین فیلم "رضا علامهزاده" به تهیه کنندگی "بیژن شاهمرادی" و با موسیقی "اسفندیار منفردزاده" تا کنون به "جشنواره جهانی فیلم مونترال" (کانادا) و "جشنواره جهانی فیلم مستند فلوریدا" (آمریکا) راه یافته، و اولین نمایش جهانی اش را همزمان با آغاز هفته ی سالگرد کشتار ۶۷ در تاریخ جمعه بیست و دوم آگوست ۲۰۱۴ در جشنواره جهانی فیلم مونترال برگزار خواهد کرد که نمایش آن برای سه روز متوالی در جشنواره ادامه خواهد یافت (۳۱ مرداد تا دوم شهریور ۱۳۹۳)

خانم شیرین عبادی، چهره ی سرشناس دفاع از حقوق بشر و برنده ی جایزه صلح نوبل، دعوت "بنیاد سینمایی برداشت ۷" را برای حضور به همراه کارگردان و تهیه کننده در اولین شب نمایش این فیلم در جشنواره مونترال پذیرفته اند، و در پایان نمایش سخنانی در ارتباط با فاجعه ی کشتار ۶۷ ایراد خواهند کرد.

نمایش "با من از دریا بگو" در "جشنواره جهانی فیلم مستند فلوریدا" در روز شنبه سیزدهم سپتامبر در دو نوبت خواهد بود که اطلاعات مربوط به حضور فیلم در این جشنواره به زودی در اختیار رسانه‌ها قرار خواهد گرفت.

یاران و فعالان حقوق بشر در شهرهای مختلف جهان از دیرگاه در تلاش برگزاری جلساتی مشابه‌اند تا یادمان کشتار ۶۷ را همراه با نمایش فیلم "با من از دریا بگو" هرچه با شکوه‌تر برگزار کنند. با سپاس از تلاش انسانی این همراهان، لیست

شهرهایی که تا کنون برنامه‌ریزی‌شان به سرانجام رسیده، اعلام می‌شود:

گوتنبرگ (سوئد) - شنبه ۲۳ آگوست

Saturday August ۲۳, ۱۷:۰۰ pm

Karlgustavsgatan ۵۴B – Göteborg

فرزنو - یکشنبه ۲۴ آگوست

Fresno. California Sunday August ۲۴

www.iraniancultureandartclub.com

استکهلم - یکشنبه ۲۴ آگوست

Sunday August ۲۴, ۱۸:۰۰ pm

ABF Spelanaden ۳C – Sundbyberg

فرانکفورت - جمعه ۲۹ آگوست

Frankfort, Germany Friday August ۲۹

(۰)۱۷۶۳۲۴۸۵۱۳۸

ونکوور - شنبه ۳۰ آگوست

Vancouver Saturday August ۳۰

(۶۰۴)۹۸۸-۹۲۶۲

Hadi@shahrgon.com

تورنتو - شنبه ۶ سپتامبر

Toronto Saturday September ۶

news@shahrvand.com

آتلانتا - یکشنبه ۷ سپتامبر

Atlanta Sunday September ۷

(۷۷۰) ۸۴۶-۰۹۳۳

دالاس - یکشنبه ۷ سپتامبر
Dallas. Sunday September ۷
(۲۱۴) ۲۴۳-۳۱۰۲

اورلاندو - یکشنبه ۱۴ سپتامبر
Orlando. Sunday September ۱۴
(۴۰۷) ۳۲۷-۲۱۸۴

نیویورک - شنبه ۲۰ سپتامبر
New York. Saturday September ۲۰
(۷۱۸) ۳۰۹-۱۹۹۶

مادرید - سه شنبه ۳۰ سپتامبر
Tuesday September ۳۰, ۱۹:۰۰
Ateneo de Madrid
Tel: ۹۱ ۴۲۹ ۱۷ ۵۰
C/ Prado ۲۱
.۲۸۰۱۴ Madrid

برای اطلاعات بیشتر و کاملتر می‌توانید به سایت رسمی فیلم مراجعه کنید:
<http://www.tellmeoftheseasmovie.com>
و یا به آدرس زیر پیام بفرستید:
takevpro@yahoo.com

بنیاد سینمایی برداشت ۷

همجنس‌گرایی و چالش‌های پیش روی محافظه‌کاران

گفتگوی تلویزیونی با مهرداد درویش پور

با شکل گرفتن جنبش‌های مدافع حقوق همجنس‌گرایان در دهه ۶۰ میلادی، روند آشکارسازی گرایش جنسی نیز رو به رشد نهاد. این روند در

نهایت به اجتماعی شدن همجنس‌گرایی و خلق چالشی اساسی در مقابل باورهای سنتی و محافظه‌کارانه انجامیده است.

[این گفتگو را بشنوید](#)

enquiry / پرسش

با سلام چرا به ایمیل‌هایی که براتون فرستاده میشه پاسخ نمی‌دهید؟

نامه سرگشاده نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و دانشگاهیان در آلمان در باره جنگ غزه

خطاب به اعضاء پارلمان آلمان
خطاب به اعضاء آلمانی پارلمان اروپا
خطاب به حکومت آلمان

از آغاز حمله اخیر ارتش اسرائیل به نوار غزه در تاریخ هشتم یولی ۲۰۱۴ تا به امروز (اول آگوست ۲۰۱۴) ۱۴۳۷ فلسطینی کشته و ۸۲۶۵ به شدت مجروح شده اند. اکثریت بزرگی از قربانیان تهاجم اسرائیل غیر نظامیان هستند که بسیاری از آنها زنان و کودکان می باشند.

Christopher Gunness سخنگوی UNRWA حمله ارتش اسرائیل به غیر نظامیان فلسطینی را به عنوان تعرض به حقوق بین الملل محکوم می کند.

ما نمیتوانیم در بمباران هدفمند بیمارستان ها، آمبولانس ها، محل های بازی کودکان و ساختمان هایی که از طرف سازمان ملل به عنوان پناهگاه برای غیر نظامیان مشخص شده بود، توسط ارتشی که به ادعای خود دقیقترین سلاح های مدرن را در اختیار دارد، چیز دیگری غیر از شدیدترین جنایات جنگی ببینیم.

از سال ۲۰۰۶ که منطقه غزه تحت تحریم قرار دارد، ۱،۸ میلیون ساکنین آن در تراکم شدید در بزرگترین زندان رو باز جهان، وابسته به کمکهای سازمان ملل و سازمانهای خیریه و همچنین تصمیم های اسرائیل برای اجازه ورود کالاهای حیاتی، زندگی می کنند. وضعیتی غیر قابل تحمل و غیر انسانی.

محاصره منطقه با دیوارها و استحکامات مرزی باعث شده است که غیر نظامی های محصور و زیر ساخت های حیاتی، بی هیچ پناهی مورد حمله ارتش اسرائیل قرار بگیرند. این نکته در حال حاضر بطور ویژه در خصوص مراقبت های پزشکی صادق است که وسیعا نابود شده اند، در حالیکه هزاران زخمی احتیاج به مداوا دارند. برای ما قابل درک نیست که حقوق اولیه فلسطینی ها و حفاظت آنها در مقابل حملات مسلحانه از اهمیت کمتری برخوردار است تا حفاظت از غیر نظامی های اسرائیلی.

اگر چه ارتش اسرائیل برای چندمین بار در یک تهاجم گسترده ساکنین غزه را مورد حمله قرار می دهد و مسئولیت مرگ و فلاکت بی پایان هزاران انسان را عهده دار است، این اعمال با کمک سلاح آلمانی، در چارچوب همکاری های نظامی، سیاسی و فرهنگی تنگاتنگ اسرائیل - آلمان نیز انجام می گیرند.

ما به عنوان فعالین فرهنگی در آلمان نمیتوانیم در این رابطه سکوت کنیم. ما قویاً از شما مسئولین و نمایندگان مجلس آلمان می خواهیم، از حقوق پایه ای و حفاظت مردم فلسطین دفاع کنید!

ما خواهان آن هستیم که شما - بخاطر همکاری های نزدیک با اسرائیل - از نفوذ قابل توجه خود استفاده کرده و به مسئولیت خود جامه عمل بپوشانید. جهت تحقق خواست های زیر مقامات تصمیم گیرنده فلسطینی را تحت فشار قرار دهید:

- خروج فوری و کامل ارتش اسرائیل از غزه و پایان بخشیدن قطعی به هرگونه حمله نظامی زمینی یا هوایی علیه غیر نظامیان

- لغو محاصره نوار غزه

- گشودن گذرگاه های مرزی غزه جهت ورود کالا، کمکهای امدادی و تردد انسانها

امضاء کنندگان:

UnterzeichnerInnen (wird fortgeführt):)

۱. Perceval, Luk – Theaterregisseur
۲. Ruzicka, Werner – Festivalleiter Duisburger Filmwoche
۳. Schulze, Ingo – Schriftsteller
۴. von Lehdorff, Vera – Schauspielerin, Modell und Performerin
۵. Neudeck, Rupert, Autor/Journalist
۶. Hagen, Nina – Sängerin / Schauspielerin
۷. Fischer, Erica – Autorin
۸. Grjasnowa, Olga – Schriftstellerin
۹. Dehm, Diether – Künstler und MdB
۱۰. Barthel, Lars – Kameramann
۱۱. Lechner, Geno – Schauspielerin
۱۲. Wolf-Schönburg, Stephan – Schauspieler / Regisseur
۱۳. Kamerun, Schorsch – Theaterregisseur
۱۴. Geipel, Ines – Schriftstellerin
۱۵. Arndt, Susan – Literaturwissenschaftlerin
۱۶. Beatt, Cynthia – Filmregisseurin
۱۷. Kaplony, Andreas – Islamwissenschaftler
۱۸. Berlinghof, Ursula – Schauspielerin
۱۹. Fliess, Ingo – Filmproduzent
۲۰. Bauer, Silvia – Kulturwissenschaftlerin, Kuratorin
۲۱. Ott, Peter – Filmemacher
۲۲. Atef, Emily – Regisseurin
۲۳. Neidhardt, Irit – Filmverleiherin
۲۴. Breysach, Barbara – Kulturwissenschaftlerin
۲۵. El-Qalqili, Pary – Regisseurin
۲۶. Kobolt, Katja – Kuratorin
۲۷. Lang, Norbert – Rundfunkautor
۲۸. Volland, Jette – Produzentin
۲۹. Schumann, Kai – Schauspieler

٣٠. Stelzner, Uli – Regisseur, Direktor des Menschenrechtsfestival Guatemala
٣١. Schmalzbauer, Fritz – Politiker und Gewerkschafter
٣٢. Kempendorff, Uli – Jazzmusiker
٣٣. Al Jafari, Kamal – Regisseur
٣٤. Goehler, Adrienne – Kuratorin, Autorin und Senatorin a. D.
٣٥. de Velasco, Stefanie – Schriftstellerin
٣٦. Kaegi, Stefan – Theaterregisseur
٣٧. Elias, Hanin – Musikerin
٣٨. Veihelmann, Julia – Autorin
٣٩. Steuer-v. Westphalen, Naomi – Filmemacherin
٤٠. du Plessis, Nancy – Filmemacherin
٤١. Finzi, Sylvia – Künstlerin
٤٢. Goldbach, Jelena – Filmproduzentin
٤٣. El-Dabbas, Faten – Texterin, Performerin
٤٤. Kötter, Iris Anna – Journalistin
٤٥. Matthes, Sabine – Fotografin
٤٦. Roldan Mendivil, Eleonora – Politikwissenschaftlerin
٤٧. Özyurt, Çığır – Theaterpädagogin
٤٨. Bender, Dominik – Schauspieler
٤٩. Ludwig, Henning – attacChor
٥٠. Deeg, Sophia – Autorin
٥١. Tarabay, Raymond – Schauspieler
٥٢. Wagner, Nina – Musikerin (The Unkindess of Ravens)
٥٣. Safoğlu, Aykan – Filmemacher
٥٤. Borchu, Uisenma – Filmemacherin
٥٥. van der Linden, Sabina Maria – Künstlerin
٥٦. Fathollah-Nejad, Ali – Politologe
٥٧. Simon, Helen – Filmemacherin
٥٨. Gruber, Gudrun – Filmemacherin
٥٩. Neumann, Marion – Filmemacherin
٦٠. Sandjon, Chantal-Fleur – Autorin
٦١. Jung, Jürgen – Schauspieler
٦٢. Splisgar, Andrea – Performerin, Autorin, Filmemacherin
٦٣. Kesevoric, Tina – Schauspielerin
٦٤. Al-Rajab, Rami – Filmmusiker
٦٥. Ross, Moritz – Schauspieler

- ᠖᠖. Azevedo Coe, Yvy Maraey – Musikerin
- ᠖᠗. Hoel, Anniken – Filmemacherin
- ᠖᠘. Wrobel, Uwe – Filmemacher
- ᠖᠙. Bleyell, Carlos – Musiker
- ᠗᠐. Burmeister, Dennis – DJ, Autor
- ᠗᠑. Dittus, Sabrina – Filmemacherin
- ᠗᠒. Bussfeld, Rebecca Charlotte – Theaterregisseurin
- ᠗᠓. Scharbatke, Lucia – Filmproduzentin
- ᠗᠔. Manns, Kami – Regisseurin
- ᠗᠕. Zaengerle, Sissi – Schauspielerin
- ᠗᠖. Haffenrichter, Petros – Musiker
- ᠗᠗. Bischof, Lion – Filmemacher
- ᠗᠘. Binder, Moritz – Filmemacher
- ᠗᠙. Wermeling, Stefanie Antonia – Schauspielerin
- ᠘᠐. Samide, Laura – Drehbuchautorin
- ᠘᠑. Kahl, Oliver – Regisseur, Autor
- ᠘᠒. Staab, Marcus – Schauspieler, Fotograf
- ᠘᠓. Preisberg, Corinna – Regisseurin
- ᠘᠔. Legner, Zeno – Kameramann
- ᠘᠕. Effenberger, Bernd – Kameramann
- ᠘᠖. Swobodnik, Sobo – Filmemacher, Schriftsteller
- ᠘᠗. Kiehl, Daniela – attac-Chor
- ᠘᠘. El Bulbeisi, Sarah – Kulturwissenschaftlerin
- ᠘᠙. Aigner, Florian – Filmemacher
- ᠙᠐. Kalhory, Narges – Filmemacherin
- ᠙᠑. Krauss, Korinna – Schauspielerin, Filmemacherin
- ᠙᠒. Golafashan, Alireza – Filmemacher
- ᠙᠓. Tosato, Magali – Theaterregisseurin
- ᠙᠔. Luque, Allia – Theaterregisseurin
- ᠙᠕. Anasal, Suzan – Filmemacherin
- ᠙᠖. Brandt, Nancy – Filmemacherin
- ᠙᠗. Gómez Garrido, Nuria – Filmemacherin
- ᠙᠘. Stübiger, Nadja – Schauspielerin
- ᠙᠙. Rayyan, Alia – Kuratorin, Kulturwissenschaftlerin
- ᠑᠐᠐. Turan, Canan – Filmemacherin
- ᠑᠐᠑. Kurban, Suli – Regisseurin
- ᠑᠐᠒. Wingerath, Ricarda Alana – Künstlerin

- ۱۰۳. Kaper, Karin – Filmemacherin
- ۱۰۴. Hengel, Ruth – Schauspielerin
- ۱۰۵. Holzheimer, Elena
- ۱۰۶. Gökser, Sinem – Schauspielerin / Tänzerin
- ۱۰۷. Richter, Marie Johanna – Schauspielerin
- ۱۰۸. Gottschlich, Ayla – Filmemacherin
- ۱۰۹. Bolick, Anne – Kamerafrau
- ۱۱۰. Sputh, Frank – Filmemacher
- ۱۱۱. Eckardt, Hans-Eckart -Schauspieler
- ۱۱۲. Uludy, Ümit – Filmproduzent
- ۱۱۳. Franz, Mareike – Tänzerin
- ۱۱۴. Schmelzle, Julia – Schauspielerin
- ۱۱۵. Vazquez, Manoush – Schauspielerin
- ۱۱۶. Witteborg – Hafaida, Melanie – Schauspielerin
- ۱۱۷. Ebbing, Andrea
- ۱۱۸. Schmidt, Heidi Anna
- ۱۱۹. Menze, Astrid – Künstlerin
- ۱۲۰. Martini, Alexandra – Schauspielerin
- ۱۲۱. Hoban, Wieland – Komponist
- ۱۲۲. Lassila, Nina – Künstlerin
- ۱۲۳. Muresan, Carla – Kamerafrau
- ۱۲۴. Acar, Tuncay – Kulturschaffender
- ۱۲۵. Amin, Salwa – Dokumentarfilmerin
- ۱۲۶. Tuckermann, Anja – Autorin
- ۱۲۷. Mortazavi, Azar – Theaterautorin
- ۱۲۸. Fruchtman, Ruth – Autorin
- ۱۲۹. Micklitz, Isa – Filmemacherin
- ۱۳۰. Özarslan, Asli – Filmemacherin
- ۱۳۱. Deane, Raymond – Komponist, Schriftsteller
- ۱۳۲. Torres, Catalina – Kamerafrau
- ۱۳۳. Leuenberger, Sereina – Schauspielerin
- ۱۳۴. Schade, Waltraud – Autorin
- ۱۳۵. Bahra, Alice – Bildende Künstlerin
- ۱۳۶. Bender, Larissa – Übersetzerin
- ۱۳۷. Gerhard, Veronika – Künstlerische Leitung, Ballhaus Naunynstraße, Akademie der Autodidakten
- ۱۳۸. Jorand, Sandrine, Featureautorin

۱۳۹. Kleinert, Paul Alfred – Schriftsteller, Herausgeber,
Übersetzer
۱۴۰. Bergfos, Hanna – Filmemacherin
۱۴۱. Frick, Johannes – Schauspieler
۱۴۲. Oral, Cem – Musiker
۱۴۳. Iranee, Samir L. – Sprachtrainer
۱۴۴. Can, Malte – Producer
۱۴۵. Jahn, Hartmut – Filmemacher
۱۴۶. Lipp, Thoralf – Filmemacher
۱۴۷. Aguirre, Dario – Filmemacher
۱۴۸. Brückner, Vera – Filmemacherin
۱۴۹. Meyer, Nora Lena – Künstlerin
۱۵۰. Byrne, Eileen – Filmemacherin
۱۵۱. Jaussi, Rirka – Schriftstellerin
۱۵۲. Schröder, Ariane – Drehbuchautorin
۱۵۳. Kühl, Yvonne – Filmproducer
۱۵۴. Mudra, Christiane – Schauspielerin, Regisseurin, Autorin
۱۵۵. Lewerenz, Anne Kathrin – Filmproduzentin
۱۵۶. Kallvretakis, Kostis – Schauspieler
۱۵۷. Assheuer, Christoph – Autor
۱۵۸. Martin, Barbara – Wiss.Dokumentarin
۱۵۹. Rassbach, Elsa – Filmemacherin
۱۶۰. Palmes, Lisa – Literaturübersetzerin
۱۶۱. Onyshchenko, Dario – Regisseurin
۱۶۲. Schadt, Lord – Schriftsteller
۱۶۳. Logares, Javier – Music Producer, DJ
۱۶۴. Delgado, Dan – Musiker
۱۶۵. Schlattner, Spomenka – DJ
۱۶۶. Al Bayaty, Leila – Musikerin, Filmemacherin
۱۶۷. Klemenz, Markus – Regisseur
۱۶۸. Spinelli, Nathalie – Regisseurin
۱۶۹. Ahangar, Kaveh – Rapper
۱۷۰. Urban, Daniela – Theaterpädagogin
۱۷۱. Umpfenbach, Christine – Theaterregisseurin
۱۷۲. Stiebert, Julia – Regisseurin
۱۷۳. Manzke, Dörte – Schauspielerin
۱۷۴. Haerdter, Michael – Autor/Kurator

- 170. O'Brien, Keith – Musiker
- 171. Karbe, Marianne – Journalistin
- 172. Langhorst, Insa – Filmemacherin
- 173. Luka, Mara – Schauspielerin
- 174. Younis, Anna-Esther, Akademikerin
- 175. Körner, Viva – Schauspielagentin
- 176. Bytyci, Hamze, Filmemacher
- 177. Schulz, Alexa Oana, Regisseurin / Autorin
- 178. Roenneberg, Pauline – Regisseurin / Autorin
- 179. Gerstner, Ákos – Autor
- 180. Wagner, Roland – Kameramann
- 181. Dallmeyer, Madeleine, Filmemacherin
- 182. Gupta, Christoph – Konzertveranstalter
- 183. Altfeld, Gudrun – Lektorin
- 184. Barth-Engelbart, Hartmut – Schriftsteller / Lyriker
- 185. Davidsson, Elias – Komponist und Menschenrechtler
- 186. Hoppe, Nora – Filmemacherin
- 187. Marzbaan, Tariq – Filmemacher
- 188. Zootzky, Gregor – Bildender Künstler
- 189. Schneider, David Tobias – Schauspieler
- 190. Efgpunk Rafael, Hagen – Musiker / Produzent
- 191. Börner, Jens Christian – Medizinstudent, eh. Filmemacher
- 192. Bräutigam, Volker – Publizist
- 193. Santamaria, Silvana – Autorin
- 194. Platzgumer, Hans – Schriftsteller / Musiker
- 195. de Hollanda, Roberto – Filmemacher und Übersetzer
- 196. Pociao – Verlegerin und Übersetzerin
- 197. Vaupel, Anne – Künstlerin / Kuratorin
- 198. Franck, Katharina (Rainbirds) – Musikerin / Texterin
- 199. Decker, Heribert – Publizist und Übersetzer
- 200. Bauer, Sascha – Musiker
- 201. Schmitz, Heiner – Fotograf / Künstler
- 202. Siegel, Marc – Filmwissenschaftler
- 203. Mortasawi, Amir – Autor
- 204. Kutsche, Vinzent – Redakteur / Autor
- 205. John, Katrin – Filmemacherin
- 206. Hendrickson, Daniel – Übersetzer

۲۱۲. Jäger-Gogoll, Anne Maximiliane –
Literaturwissenschaftlerin
۲۱۳. Basrawi, Claudia – Autorin
۲۱۴. Werner, Lutz – Liedermacher
۲۱۵. Tielsch, Thomas – Filmproduzent
۲۱۶. Koettnitz, Maria – Leiterin Akademie für Autoren
۲۱۷. Belakhdar, Christine – Übersetzerin
۲۱۸. Tiedjen, Jörg – Redakteur / Journalist
۲۱۹. Arendt, Erhard – Plastiker / Maler / Grafiker
۲۲۰. Ben Hardouze, Sarah – Filmemacherin
۲۲۱. Wirth, Maria – Künstlerin
۲۲۲. Amin, Salwa – Filmproduzentin
۲۲۳. Roesen, Ulrike – Kulturschaffende
۲۲۴. Dresselhaus, Dirk – Musiker
۲۲۵. Rick, Susanne, Lektorin
۲۲۶. Mohr, Maria – Filmemacherin
۲۲۷. von Berkholz, Elke – Lektorin
۲۲۸. Groß, Martina – Journalistin
۲۲۹. Savasci, Özgür – Sprach- und Literaturwissenschaftler
۲۳۰. Sarrouh, Nadim – Musiker
۲۳۱. Irshaid, Nabila – Künstlerin
۲۳۲. Daga, Rocio – Kulturwissenschaftlerin
۲۳۳. Khan, Naila – Choreografin
۲۳۴. Hoffmann, Sibylle – Redakteurin
۲۳۵. Nölle, Karen – Übersetzerin / Lektorin / Autorin
۲۳۶. Schopohl, Eos – Schauspielerin
۲۳۷. Rezinkoff, Jorinde – Stimmkünstlerin und Coach
۲۳۸. Graf-Riemann, Lisa – Autorin
۲۳۹. Kupfer, Dennis – Journalist / Filmemacher
۲۴۰. McEwen, Isabelle – Theaterregisseurin und Künstlerin
۲۴۱. Kleiner, Angélique – Kulturwissenschaftlerin
۲۴۲. Morsbach, Momo – Bühnenbildner
۲۴۳. Banuls, Sylvie – Dokumentarfilmerin
۲۴۴. Polzer, Elena – Theaterproduzentin
۲۴۵. Güvercin, Eren – Journalist
۲۴۶. Josting, Cora – Übersetzerin, Autorin
۲۴۷. Hensch, Traute – Verlegerin

۲۴۸. Vakily, Robert – Editor / Cutter
۲۴۹. Schottes, Christoph – Lektor
۲۵۰. Schyle, Karin Angela – Kulturschaffende
۲۵۱. Miklaw, Barbara – Lektorin / Verlegerin
۲۵۲. Overbeck, Peter – Filmemacher und Maler
۲۵۳. Illner, Steffen – Musiker
۲۵۴. Plakoudakis, Theo – Schauspieler
۲۵۵. Beer, Juliane – Schriftstellerin
۲۵۶. Buchner, Roswitha – Journalistin
۲۵۷. Drescher, Heike – Lektorin
۲۵۸. Aslan, Emine – Soziologin
۲۵۹. Rieckmann, Karin – Architektur / Städtebau
۲۶۰. Köck, Thomas – Dramatiker
۲۶۱. Bourja, Manuela – Grafikerin
۲۶۲. Pudor, Katja – Malerin
۲۶۳. Schneider, Jürgen – Übersetzer
۲۶۴. Dashti, Mohsen – Autor
۲۶۵. Fischbeck, Costanze – Künstlerin
۲۶۶. Loi, Julie – Musikerin
۲۶۷. Maiwald, Peter – Musiker
۲۶۸. Pan, Lutzie – Autorin
۲۶۹. Kolaczinski, Erika Anna – Karikaturistin
۲۷۰. Rosenstein, Adeline – Theaterregisseurin
۲۷۱. Opel, Franziska – Künstlerin
۲۷۲. Tükel, Tuncay – Künstler
۲۷۳. Borchardt, Albert – Künstler
۲۷۴. Happel, Frank – Journalist
۲۷۵. Müller, David – Schauspieler
۲۷۶. Khani, Mina – Tänzerin
۲۷۷. Kuebler, Marva – Synesthetic Artist
۲۷۸. Morell, Steve – Musiker / Labelinhaber
۲۷۹. Liebert, Wolfgang – Maler und Grafiker
۲۸۰. Fischer, Kurt – Bildhauer
۲۸۱. Glansschneider, Senne – Fotografin
۲۸۲. Drigalski, Dörte – Autorin
۲۸۳. Wilbert, Bilal – Medienkünstler
۲۸۴. Bernstein, Judith – Dolmetscherin

- ۲۸۵. Jürgensonn, Harald – Journalist und Autor
- ۲۸۶. Rölfke, Stefanie – Autorin
- ۲۸۷. Feuerherdt, Heidewig – Sprachdozentin
- ۲۸۸. Prantner, Elisabeth – Modedesignerin
- ۲۸۹. Groiss, Johann – Radiojournalist
- ۲۹۰. Brenner, Manfred – bildender Künstler
- ۲۹۱. Braun, Karin – Autorin
- ۲۹۲. Klein, Susanne – Lektorin
- ۲۹۳. Rinkes, Telma – Schauspielerin
- ۲۹۴. Saller, Andreas – Journalist
- ۲۹۵. Simanjutak, Boboy – Theater- und Filmwissenschaftler
- ۲۹۶. Demmer, Joakim – Filmemacher
- ۲۹۷. Demir, Juray – Künstlerin
- ۲۹۸. Magnitz, Katrin – Animationskünstlerin
- ۲۹۹. Schmaderer, Renate – Szenenbildnerin
- ۳۰۰. Klatte, Carsten – Musiker
- ۳۰۱. Hecht-Galinski, Evelyn – Publizistin
- ۳۰۲. Baatz, Uta – Kostümbildnerin
- ۳۰۳. Giebel, Norbert – Musikalienhändler
- ۳۰۴. Neitzel, Harm – Künstler
- ۳۰۵. Mustafa, Imad – Autor und Politologe
- ۳۰۶. Etz, Alexander – Maler
- ۳۰۷. Hager, Elisabeth R. – Schriftstellerin
- ۳۰۸. Fliegenger, Michael – Künstler
- ۳۰۹. Hiller, Hermann – Künstler
- ۳۱۰. Wegener, Lisa – Übersetzerin
- ۳۱۱. Martens, Andrea – Künstlerin
- ۳۱۲. Kummer, Janne Nora – Theaterregisseurin
- ۳۱۳. Attia, Maruan – Designer
- ۳۱۴. Hamid, Amir – Kulturwissenschaftler
- ۳۱۵. Ourvalova, Natalia – Filmemacherin
- ۳۱۶. Diaz, Rui – Filmemacher
- ۳۱۷. Spiess, Anke – Journalistin
- ۳۱۸. Gouli, Houwaida – Musikerin und Komponistin
- ۳۱۹. Fischer, Andreas – Sänger und Dirigent
- ۳۲۰. Nicolaus, Christoph – Musiker und Kunstveranstalter
- ۳۲۱. Kotthoff, Helga – Sprachwissenschaftlerin

- ૩૨૨. Bahar, Alexander – Historiker und Publizist
- ૩૨૩. Wilkerling, Maurice – Kameramann
- ૩૨૪. Panjatan, Rita Sonal – Filmschaffende
- ૩૨૫. Eichhorn, Holger, Musikwissenschaftler
- ૩૨૬. Kirkegaard, Jacob – Künstler
- ૩૨૭. Sergel, Ruth – Künstlerin
- ૩૨૮. Blank, Georg – Journalist
- ૩૨૯. Flade, Kristin – Theaterwissenschaftlerin
- ૩૩૦. Amsalem, Irisi Hefets – Psychotherapeutin
- ૩૩૧. Herdieckenhoff, Nikolaus – Musiker
- ૩૩૨. Gallina-Baron, Fabienne – Filmemacherin
- ૩૩૩. Sonogo, Leonora – Philologin
- ૩૩૪. Wasilewski, Marie-Luise – Soziologin
- ૩૩૫. Forst, Achim – Autor und Filmemacher
- ૩૩૬. Sauerland, Annie – Filmproduzentin
- ૩૩૭. Zoghلامي, Soufian – Musiker
- ૩૩૮. Rohlf, Ellen – Übersetzerin und Autorin
- ૩૩૯. Al-Yousef, Jamila – Sängerin
- ૩૪૦. Pier, Barbara – Malerin
- ૩૪૧. Klein, Georg – Chorleiter und Kirchenmusiker
- ૩૪૨. Hyprath, Dietrich – Fotograf
- ૩૪૩. Heinzel, Sebastian – Filmemacher
- ૩૪૪. Wagner, Frieder – Journalist und Filmemacher
- ૩૪૫. Schneider, Detlev – Theaterwissenschaftler und Kurator
- ૩૪૬. Zöllner, Siefried – Autorin
- ૩૪૭. Strohmeier, Arn – Journalist und Autor
- ૩૪૮. Wolf, Gesine – Journalistin und Autorin
- ૩૪૯. Richter, Klaus D. – Bürgermeister a. D.
- ૩૫૦. Waldheim, Andreas – Rockmusiker
- ૩૫૧. Altshuler, Galit – Kunsttherapeutin
- ૩૫૨. Schechter, Oded – Professor Jewish Thought & Philosophy
- ૩૫૩. Melamed, Jodi – Autorin
- ૩૫૪. Gösswald, Regina – Autorin
- ૩૫૫. Scharwies, Susan – Familientherapeutin
- ૩૫૬. Grabner, Stefanie – Schauspielerin
- ૩૫૭. Roer, Ingo – Maler
- ૩૫૮. Brand, Eliav – Komponist

- ۳۵۹. Janssen, Gesine – Autorin
- ۳۶۰. Döring-Kles, Helga – Bibliothekarin
- ۳۶۱. Helow, Nadim – Performer (Blueman group)
- ۳۶۲. Bartsch, Gregor – Filmeditor
- ۳۶۳. Guth, Karin – Künstlerin
- ۳۶۴. Wenzel, Gisela – Historikerin
- ۳۶۵. Sommer, Michael – Psychologe
- ۳۶۶. Hamburg, Eva – Bühnen- und Kostümbildnerin
- ۳۶۷. Frank, Xenia – bildende Künstlerin
- ۳۶۸. Lohse, Milo – Künstler
- ۳۶۹. Mirak-Weissbach, Muriel – Autorin
- ۳۷۰. von Grote, Georg – Journalist
- ۳۷۱. Bostström, Herrat – Künstlerin
- ۳۷۲. Klein, Hila – Künstlerin
- ۳۷۳. Schiffmann, Annette – Fotografin und Kuratorin
- ۳۷۴. Bäumlér, Marianne – Journalistin
- ۳۷۵. Schrott, Peter – Gewerkschafter
- ۳۷۶. Pohle, Thomas – Online-Redakteur
- ۳۷۷. Ziemke, Lydia – Regisseurin
- ۳۷۸. Kaplan, Sissi – Kuratorin
- ۳۷۹. O'Connell, Susanne – Autorin
- ۳۸۰. Naim, Raid – Übersetzer und Autor
- ۳۸۱. Elias, Holger, Publizist und Verleger
- ۳۸۲. Türelí, Volkan – Balhaus Naunynstraße
- ۳۸۳. Kajimura, Masayo – Videokünstlerin
- ۳۸۴. Stotz, Eva – Filmemacherin
- ۳۸۵. Bredin, David – Schauspieler
- ۳۸۶. Schumann, Uta – Designerin
- ۳۸۷. Stadtegger, Laura – Künstlerin
- ۳۸۸. Beckmann, Dennis – Sound Designer
- ۳۸۹. Bendix, Daniel – Wissenschaftler und Bildungsreferent
- ۳۹۰. Lehmann, Ulla – Filmproduzentin
- ۳۹۱. Schedelbauer, Sylvia – Filmemacherin
- ۳۹۲. Sauter, Irene – Bildjournalistin
- ۳۹۳. Fakhuri, Maruan – Sozialpädagoge
- ۳۹۴. Siebers, Antje – Regisseurin
- ۳۹۵. Al-Jumaili, Diana – Autorin

- 396. Cain Külbel, Jürgen – Journalist
- 397. Friese, Julia – Designerin
- 398. Maakaron, Myrna – Filmemacherin / Schauspielerin
- 399. Schwickerath, Helmut – Künstler
- 400. Azzellini, Dario – Autor und Sozialwissenschaftler
- 401. Andersch, Norbert – Autor / Psychiater
- 402. Seker, Nimet – Journalistin und Islamwissenschaftlerin
- 403. Uranitsch, Iris – Kuratorin
- 404. Begemann, Almut – Pfarrerin
- 405. Strand, Jonni – Malerin
- 406. Luthardt, Matthias – Filmregisseur
- 407. Hammer, Ivo – Restaurator
- 408. Heißler, Sabine – Autorin / Lektorin
- 409. Krajci, Barbara – Künstlerin
- 410. Azarmandi, Mahdis – Autor
- 411. Drewes, Hartmut – Pastor
- 412. Bank, Charlotte – Kuratorin und Kunsthistorikerin
- 413. Hammer-Tugendhat, Daniela – Kunsthistorikerin
- 414. Zayd, Robert – Fotograf
- 415. Rienermann, Heike – Pfarrerin
- 416. Siassi, Jilla – Autor
- 417. Rosenkranz, Petra – Malerin
- 418. Kabalan, Nadia Johanne – Kunsthistorikerin
- 419. Kowasch, Fred – Filmemacher und Journalist
- 420. Taffere, Yeralem – Filmemacherin
- 421. Jett, Renate – Schauspielerin
- 422. Fronzeck, Klaus – Künstler und Arzt
- 423. Fuchs, Barbara – Kulturwissenschaftlerin
- 424. Weidner, Jasmin N. – Autorin